

# «اصالت و جود»

## و تحول در منطق تعریف

موسی ملایری\*، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز  
حمزه نادعلی زاده، دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

### چکیده

یکی از دغدغه‌های اصلی منطق ارسطویی، یافتن راهی برای تعریف ماهیات بمنظور دست یافتن به شناخت تصویری آنهاست. ارسطو نظام منطق تعریف را متناسب با جهان‌شناسی خود بنا نهاد. در این نظام، تعاریف حقیقی به حد و رسم تقسیم می‌شدند. پس از ارسطو، منطق تعریف قرن‌ها به همان شاکله اولیه مورد قبول حکیمان و اهل منطق بود. مشائیان مسلمان نیز کمابیش بر همان مسیر می‌رفتند تا اینکه در سیر تکاملی فلسفه در جهان اسلام، ملاصدرا با تبیین اصالت وجود و اثبات آن و نیز تأسیس چند اصل وجودشناختی دیگر، دستگاه فلسفی حکمت متعالیه را بنا نهاد. از جمله مختصات حکمت متعالیه آنست که مبانی وجودشناختی منطق تعریف را بشدت به چالش کشید. با اصالت یافتن وجود، ماهیات – که از نظر پیشینیان مبین حقایق عینی اشیا بودند- به مفاهیم ذهنی تنزل پیدا می‌کنند و وجود که حقیقت عینی هر شیء است، جز با مشاهده قابل دریافت نیست. از طرفی، در این نظام، فصل که قوام هر ماهیت به آنست و تمام حقیقت و فعلیت شیء شمرده می‌شود، امری ماهوی نیست و با مفاهیم ماهوی شناخته نمی‌شود. بدین ترتیب، بنیان کلیات خمس بعنوان زیر بنای منطق تعریف متزلزل گردید. بدنبال این تحولات،

باید شاهد بازنگری بنیادین در منطق ارسطویی و مشخصاً باب تعریف آن باشیم. حاصل این تحول بنیادین، چیزی جز اهمیت یافتن تعاریف مفهومی حقایق نخواهد بود که این از نتایج مهم اصالت وجود می‌باشد.

### کلیدواژگان

اصالت ماهیت  
تحول منطق تعریف  
ثمرات اصالت وجود  
الحاق فصل به وجود  
تعریف مفهومی  
تعریف به لوازم

### مقدمه

منطق ارسطویی، بر مبانی فلسفی ارسطو استوار است و شاکله این منطق بدون هستی‌شناسی، ترسیم نمی‌گردد. بعنوان نمونه منطق تعریف، یعنی تعاریف چهارگانه (حد تام، حد ناقص، رسم تام، رسم ناقص)، بر پایه کلیات خمس شکل گرفته است و کلیات خمس بر مبانی فلسفه ارسطویی استوار است. توضیح آنکه ارسطو جهان را از منظر جواهر و اعراض (مقولات عشر) میدید و تمامی موجودات را یا از دسته جواهر

\*.Email:malayeri50@yahoo.com

مسئولیت علمی مقاله را هر دو نویسنده بصورت مشترک بر عهده دارند.

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۱ تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۳۰